

# راه ظهور

(سول اکرم (ص):

اگر خدا یکنفر را به دست تو هدایت کند برای  
تو از دنیا و آنچه در دنیاست بهتر است .

راه ظهور دریچه ایست بسوی آشنایی با انقلاب اسلامی ایران  
ادیان آسمانی ، فرقه های نوظهور ، علوم اسلامی و ...

لزوم آشنایی با

فرهنگ مهدویت

و انتظار - شماره ۲

سامانه پیامک ۱۰۰۰۱۰۳۱۳۰۰۳۱۳

Rahezohoor.blog.ir - rahiyanezohoor.blog.ir

و راه نژادپرستی رادرپیش گرفت، او سوگند خورد که اثبات کند، انسان لیاقت بزرگی و اشرف مخلوقات را ندارد. شیطان توسط خدا لعن شد، و انسان را فریب دادو باعث شد انسان بر روی زمین بیاید تا فرصت یابد و خود را به خدا اثبات کند. چون او از خدا طلب بخشش کرد. خدا انسان را بخشید و به او فرصت داد. انسان باید به خدا اثبات کند که تنها خداست که توانایی حکومت بر جهان را دارد ، چون او خالق اوست. خداوند توسط شخصی به نام منجی انسانها را نجات خواهد داد. حضرت موسی منجی قوم بنی اسرائیل بود و در حال بردن آنها به زمین موعود بود، منجی آخر الزمان و آخرین منجی خدا حضرت ولی عصر (عج) است که به ما مسلمانان و هر کس که به دین اسلام وارد شود تعلق دارد (سوره عصر)قسم به زمان که انسان در خسران و زیان به سر می برد مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و به حق و صبر سفارش کردند. پیش زمینه: پس از شهادت امام حسین (ع) ، سلیمان بن صرد خزاعی توبه کرد که چرا برای کمک به امام حسین به کربلا نرفتم ، او از امام سجاد درخواست کرد که او و یارانش را رهبری کند تا حکومت اسلامی تشکیل دهد ، اما امام سجاد نپذیرفتند. او و یارانش از سال ۶۱ ه.ق، بطور مخفیانه و سال ۶۴ ه.ق، بعد از مرگ یزید آشکارا مردم را به خونخواهی حسین دعوت میکردند و در سال ۶۵ ه.ق، سلیمان با هم پیمانانش قیام کرده و با شعار «یالثارات الحسین» مردم را به انتقام، فرا خواندند، آنها تصمیم داشتند که ابتدا حکومت را تشکیل دهند و سپس از امام بخواهند که بر آنها حکومت کند. آنها با ورود عبیدالله بن زیاد از شام به عراق، به طرف کربلا آمدند، و به قبر حسین بن علی رسیدند و بسیار گریستند و با یارانش همگی از خدا آموزش خواستند و عده زیادی به آنها ملحق شدند. سپس از فرات عبور کرده و بعد از رسیدن به منطقه «عین الورد»، لشکر شام مقابل آنها قرار گرفته و نبرد سختی کردند. در آغاز جنگ، پیروزی با توابعین بود ولی چون دائماً به لشکر شام، اضافه شد، کم کم محاصره شدند و او و یارانش کشته شدند. سلیمان بن صرد خزاعی در این جنگ توسط «حصین بن نمیر» در سن ۹۳ سالگی کشته شد و آنها نتوانستند حکومت اسلامی را تشکیل دهند. عمل ایران در انقلاب اسلامی پس از ۱۱۷۰ سال همین بوده است که ابتدا حکومت اسلامی تشکیل دهد و سپس از امام زمان (عج) بخواهد که بر آنها حکومت کند. آیا با به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی ایران ، جمهوری ایران ، اسلامی شد!!! هدف از این نامگذاری این بود که جمهوری ایران به سمت اسلام برود و قوانین اسلام را در حکومت خود اجرا و پیاده سازی بکند تا الگویی از اسلام برای جهان باشد پس از ۱۱۷۰ سال اقوام ایرانی فهمیدند که نمیتوانند برای همیشه نظام پادشاهی را تحمل کنند. ما آزاد بودیم که انتخاب کنیم و اسلام را انتخاب کردیم. آزمون جهاد: ۸ سال جهاد و آزمون حکمیت: در زمان امام خمینی: آزاد سازی خرمشهر با ۶۰۰۰ شهید و ۲۴۰۰۰ مجروح و بسیاری از دستورات دیگر. آزمون افراد مستجاب الدعوه: اگر شخصی با رهبر مخالفت کرد و مردم را به دور خود جمع کرد نباید به آن سو رفت که در فتنه ۸۸ مشاهده کردیم که برخی افراد به سمت کسانی رفتند که به خواست رهبری مبنی بر آرامش پس از انتخابات عمل نکردند و آشوب به پا کردند. همچنین بسیاری از شبکه های ضد ایرانی ( که در اصل ضد اسلامی و از گروه شیطان هستند ) به دعوت مردم و ایجاد آشوب میپردازند. وظیفه مردم در این آزمون این است که حول ولی خود جمع شوند. اکنون در آزمون حکمیت: به فرمان رهبر و «ولی» جامعه باید عمل کرد. و طریقه برخورد با کسانی که به آن عمل نمی کنند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده است. ان تنصرت الله ینصرکم و یتبث اقدامکم. « التماس دعا »

منتظران و رهپویان مهدویت ، تکثیر و اهدای رایگان راه ظهور به مردم عزیز مایه مباحث است.

اگر مایلید شما نیز به جمع بانیان خیر راه ظهور بیونید. ادامه دارد ... انشاءالله

## \*\*\* عاشق شو ، اما عاشقِ لیلیِ لیلی‌ها

انسانها همیشه شیفته‌ی آدمهای دیگر میشوند. شیفته‌ی مقام، جمال، کمال، قدرت و ... و وقتی شیفته شدند خاضع میشوند و سپس به زیارتشان میروند و برای گوشه‌ی چشمی از طرف آنان دست و پا می‌شکنند و اگر از دستشان دادند، آثارشان را در موزه میگذارند و هر بار که دلشان تنگ میشود به آنها نگاه میکنند و لذت آنرا مرور مینمایند. **چرا همه عاشقیم !!!** ...

از خودمان بپرسیم که ما شیفته‌ی که هستیم؟! کدام هنرپیشه، کدام بازیکن، کدام پادشاه و کدام ... دلمان را برده است؟! راستی چرا همه عاشقیم؟ اگر به فطرت خود سرکی بکشیم جواب این سوال را می‌یابیم. بله؛ فطرت ما کمال طلب است از همان ابتدا دنبال بهترینها بودیم و زیبایی و کمال را ستایش میکردیم و در مقابلش فروتن بودیم. (۱) اما فرق کمال حقیقی و مجازی در این است که حقیقتی با تو میماند و افزایش مییابد و مجازی میباید و میگذارد. مثل کف دریا ابتدا شیفته میشود و سپس میبینی محو شد! حقیقت وحدت دارد و باطل پراکنده و مشوش است مثل بیداری و خواب. (۲) ... وقتی به زیارت کمال حقیقی میرویم، احساس لذت میکنیم؛ زیرا خود و وجود حقیقی خود را در آینه میبینیم؛ با خود میگوییم او که به چه میتوان رسید! انگار همان موقع قلم مویی بر میداریم و جمالی را که دوست داریم برای خودمان میکشیم؛ درست همان جمالی که به زیارتش آمده‌ایم و فروتنانه مقابلش نشستهایم.

### لیلی لیلی‌ها

اگر بگوییم که همانانی که کمال و جمالشان دلت را برده و به زیارتشان میروی، خود نیز عاشقند؛ (۳) برای جذب نیست که بدانی محبوب محبوب تو کیست؟ پس با من بیا تانسانت دهم شیفتگی چیست و شیفته‌ی که باید بود: خداوند عزوجل در شب معراج به پیامبر خود فرمود: یا محمد! **أَحِبُّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَ أَجِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ (۴): ای محمد! او را دوست بدار! به راستی که من او و تمام محبتان او را دوست دارم.**

پیامبر رحمت که خاطر خواه زیاد دارد، میدانی درباره‌ی او چه فرمود؟: **بِأَبِي وَ أُمِّي وَ سَمِيٍّ وَ شَبِيهِ... (۵): پدر و مادرم فدایش باد! او هم نام من و شبیه من است ...** مولا علی (ع) که مرام او غیر مسلمانان را نیز شیفته کرده است (۶) وقتی در مورد اوصاف او سخن گفت با حالتی سرشار از عشق و اشتیاق به سینه‌ی خود اشاره کرد و آهی کشید. (۷) امام باقر (ع) پس از صحبت درباره‌ی حتمی بودن قیام او فرمودند: (۸) **پدر و مادرم به فدای او که هم نام من و هم کنیه‌ی من است...** و امام صادق (ع) را دیدند که روی خاکها نشسته و مانند مادر فرزند از دست داده به پهنا‌ی صورت اشک میریزد و زمزمه میکند (۹):

**«آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم روده و خاطرم پریشان ساخته و آرامش دل را از من گرفته ...»** امام رضا (ع) نیز اینگونه از مهر خود به او سخن میگوید: **«بِأَبِي وَ أُمِّي! سَمِيٍّ جَدِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عَمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النَّوْرِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ ...» (۱۰): پدر و مادرم فدای تو که هم نام جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمرانی بر او جامه‌هایی (نوارها) از نور است که از فروغ**

### سرمایه عشق ، امانت خداوند

روشنایی قدس می‌درخشد.

به راستی چرا آنان که خوبی جلویشان لنگ می‌اندازد، امام مهدی علیه افضل الصلاة و السلام را دوست دارند؟! این افتخار ندارد که همانیکه همه‌ی خوبان پس از شناخت او، عاشقش می‌شوند، امام ماست؟! ۲

...خود ولی معصوم نفرینشان کرد. و ۴۰ سال زمین موعود برایشان حرام شد و در زمین سرگردان بودند و دلهاشون سنگ شد. چون عهدشان را شکستند مورد لعن خدا قرار گرفتند.

**چهارمین آزمون الهی:** آزمون حکمیت که هیچگاه قوم بنی اسرائیل به آن نرسید و پس از ۴۰۰ سال از لعن خدا خارج شدند و زمان حضرت داوود فرا رسید. آزمون حکمیت اینگونه است که ولی معصوم را بعنوان حکم بپذیرند، حکمش را اجرا نمایند و در نتیجه حکمش تردید نکنند و از ته دلشان راضی باشند. که در زمان حضرت داوود هم این آزمون را پس ندادند. اینها امتحانات هر حکومت ولی معصومی است. در زمان پیامبر اکرم (ص): آزمون اقتصادی که شعب ابی طالب بود. آزمون جهاد که جنگ بدر و احد و خندق بود که در جنگ خندق بخاطر غنیمت، باختند. آزمون حکمیت هم که در روز عید غدیر پیامبر را بعنوان حکم قبول کردند اما حکم ولی معصوم، امام علی (ع) را نپذیرفتند. در زمان امام علی (ع): آزمون اقتصادی حکومت امیرالمومنین و بیت المال مساوی بود که به زعم بعضی خوش نیامد. آزمون جهاد هم که در جنگ جمل و صفین بود که در این جنگ امام خود را حتی بعنوان حکم هم قبول نکردند چه رسد به اجرای حکم. در زمان امام حسن مجتبی (ع): آزمون اقتصادی همان که معاویه همه را با پول خرید و دیگر به امام بعدی نرسید. در زمان امام حسین (ع) هم که توسط خود مردم به شهادت رسیدند. بنی اسرائیل هم پس از حضرت یوسف ۷۰ پیامبر را کشتند.

### واما اکنون ...

۱۱۷۰ سال گذشت قومی آمدند و گفتند حکومت ولی معصوم میخواهیم، اینها چه کسانی بودند؟ **ایرانی‌ها** ... اما آیا می شود این قوم را بدون آزمون ، امام زمانشان را داد؟ نه ، زیرا که اگر امام زمان بیاید که پیرویشان حتمی است، پس چه آزمونی از این قوم آخرالزمان گرفته شود؟ آزمون اول **آزمون اقتصادی** است ؛ تحریم اقتصادی. آزمون دوم **آزمون جهاد** است ؛ که ۸ سال جنگ را تجربه کردیم.

آزمون بعدی **آزمون حکمیت** است ؛ که احتمالاً در آن مانده ایم.

امام خمینی (ره) ولی معصوم نبودند ، نه ، ولی فقیه بودند. فرمودند که بروید این شهر را بگیرید، کدام شهر؟ خرمشهر. خرمشهر آزاد شد. چه کسی خرمشهر را آزاد کرد. خدا خرمشهر را آزاد کرد. زمانیکه امیرالمومنین در جریان جنگ رو به خوزستان السلام میگویند بر کسانی که همچون پاره های آهنین اند و میگویند کاش من از این افراد را داشتم. اینان که ولی معصوم نداشتند و ولی فقیه خود را حتی یکبار ندیده بودند اما به عهد خود وفا کردند. در صحیفه امام خمینی (ره) آمده که هر کس در حکومت جمهوری اسلامی در حوزه مسئولیت خویش (کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیتة؟) **اگر نگاه آخرالزمانی نداشته باشد، خائن است.**

ما امام زمان(ع) را میخواهیم. پس شیطان هر کاری می کند که یا ما غافل شویم از امام زمان یا دینمان را از دست بدهیم. چون شیطان توسط امام زمان(عج) کشته خواهد شد. در جریان آفرینش انسان، تمامی ملائک به انسان احترام ورزیدند و اور اعالیقدر دانستند، اما شیطان حاضر نشد... ۱۱

در این مقاله به بررسی موشکافانه ی ابعاد مختلف عملکرد انقلاب اسلامی میپردازیم و عملکردهای مثبت و منفی و مدل اسلامی آن را بیان میکنیم. تاکید میکنیم که هدف ما نقد مسلمانان و مومنانی که، در کشور اسلامی، از همان ابتدا به ارزشهای اسلامی پایبند بودند نیست. بلکه نقد کسانی است که با عملکرد خود، انقلاب اسلامی و ۸ سال جهاد در راه خدا را بیهوده می پندارند و خواهان آمدن امام زمان (عج) ارواحنا فداه نیستند.

این یک واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران در این ۳۶ سال در راه دین اسلام حرکت نموده که اگر دشمنان فرصت میدادند و به درستی عمل میشد، دین اسلام جهانی و احتمال ظهور امام زمان (عج) زیاد می بود. سنت خدا از زمان قوم بنی اسرائیل تا اقوام عرب که پیامبر گرامی اسلام (ص) بر آنان فرستاده شد این بود که اگر قومی پس از مدتها دور بودن، از خدا بخواهد به خداوند رو بیاورد. **خداوند آزمون هایی را از آن قوم خواهد گرفت.** قوم بنی اسرائیل برای ظهور منجی خود چه کردند؟ رفتند سراغ فقهای خود، حول محور دین جمع شدند با امید و دعا... نهایتاً منجی آمد. **فرمان تشکیل اولین حکومت الهی به دست موسی و حرکت به سمت سرزمین موعود**، همانی بود که خدا به آنان وعده داده بود. پس از گذشتن ۱۲ قبیله بنی اسرائیل از ۱۲ بخش دریای سرخ و به هلاکت رسیدن فرعونیان، جهت رفع تشنگی و گرسنگی شان به اذن الهی ۱۲ سنگ و ۱۲ چشمه، ابری برای سایبان و از آسمان بلرچین بریان و از زمین شیرو عسل بر آنان نازل شد. اما چرا دوباره به مصر برنگشتند؟ زیرا عهد کرده بودند که به ارض موعود بروند، پس هر زمینی برایشان زمین موعود نمیشد. و آیا هر زمانی برای ما زمان موعود می شود؟ و اگر ولی معصوم را پس بزیم بدتر از حال قبلی شامل مان می شود، مانند مردمی که امام علی (ع) را پس زدند آیا به زمان عثمان برگشتند؟ نه بلکه بدتر از آن بر سرشان آمد.

**اولین آزمون الهی:** آزمون اقتصادی است. **« آزمونهای الهی »**

**دومین آزمون الهی:** آزمون افراد مستجاب الدعوه است. افراد مستجاب الدعوه اشخاصی اند که با تظاهر و نفوذ در مردم از وجهه ی اجتماعی و دینی بالایی برخوردارند. و مردم را به سمت غیر خدا جذب می کنند.

**سومین آزمون الهی:** آزمون جهاد است که قوم بنی اسرائیل به زمین موعود رسیدند، حضرت موسی به آنها گفت که خدا خواسته این جبارین بدست ما نابود شوند و بیایید داخل این سرزمین شویم که خدا برای شما نوشته و اگر به این سرزمین نروید خسران کردید. گفتند ای موسی آنجا قوم جبارین هستند و ما عمراً وارد این سرزمین تا زمانیکه آنها در آن هستند نمی شویم پس از شکستن عهد توسط قوم بنی اسرائیل موسی از خدا خواست که میانشان جدایی بیندازد و خدا قوم را مورد لعن قرار داد، **خطری که ما را تهدید میکند...**

## دلی را ندیدم ز عشقت نلرزد

چو از تو نوشتم، چو از تو سرودم (۱۱)  
این باعث لذت نیست که ما به او خدمت کنیم؟! وجودی که آرزوی خدمتش را بزرگانمان داشتند. (۱۲) آیا کمال و جمالی بهتر از او سراغ داریم؟ قهرمان مهربان ما با کدام هنرپیشه و با کدام پادشاه قابل قیاس است؟! (۱۳) **« ما مستعد عشق هستیم »**

اگر ما مستعد عاشق شدنییم، چرا عاشق عشقِ بهترین معشوقهای جهان نشویم؟ اگر ما مستعد این باشیم که خواسته های دل انسان کامل؛ شگفت انگیزترین موجود خلقت را برآوریم و این نکنیم روزی احساس شرم نخواهیم کرد؟! چرا برای برآوردن خواسته های محبوبان نمی دویم؟ وقتی از خود خداوند تعالی تا هر فردی که مولای ما را میشناسد عاشقش میشود، چرا ما از قافله عقب بمانیم و دلمان را به عشقهای مجازی که محو شدنی هستند، بسپاریم؟ ما عاشق آفریده شده ایم و فطرتاً میل به انسانهای کامل داریم، انسانهای کامل و دوست داشتنی خودشان عاشق امام مهدی (ع) ارواحنا فداه بودند؛ پس ظرفیت عشقمان را برای غیر او به کار نبریم.

**ما مستعد عشق به حضرت حجت ارواحنا فداه هستیم این استعداد را پرورش دهیم.**

### پی نوشت:

- ۱) همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی/که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی: مصلح الدین سعدی شیرازی.
- ۲) ر.ک: ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، عبدالله جوادی آملی، ج ۱.
- ۳) این وجه الله الذی بتوجه الیه الاولیاء: کجاست آن وجه خدا که اولیا بسوی او توجه و توسل میجویند؟: فرازی از دعای ندبه.
- ۴) بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۳۲۳.
- ۵) علی بن محمد خزاعی، کفایة الاثر، ص ۱۵۶.
- ۶) به نمونه ای اکتفا می نماییم: جبران خلیل جبران (م ۱۸۸۳-۱۹۲۱) نویسنده ی متفکر مسیحی: ... او در گذشت در حالیکه شهید عظمت خویش گردید؛ درگذشت در حالیکه دلش از شوق پروردگار پر بود. حقیقت مقام و منزلتش را عرب نشناخت تا آنکه از همسایگان عرب مردمی از سرزمین پارس به پا خاستند و فرق میان گوهر و سنگریزه را شناختند. (نقل از: صوت العدالة الإنسانية، ج ۵، ص ۱۲۲۲)
- ۷) الغیبة نعمانی، ص ۲۱۲، ج ۱.
- ۸) همان، ص ۸۶.
- ۹) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹.
- ۱۰) عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۹.
- ۱۱) شاعر: محمد علی جعفریان.
- ۱۲) امام صادق (ع) فرمود: اگر او را درک کنم، در ایام زندگانی ام خدمتگزار او خواهم بود: الغیبة نعمانی، ص ۲۴۵، ج ۲۳.
- ۱۳) برخی از کمالات و زیبایی های حضرت مهدی (ع): رسول خدا (ص) فرمودند: تمام انسانهای مومن به وسیله ی آن شادمان و راضی خواهند شد... او امامی است پرهیزکار و پاک، مسرورکننده و رضایت بخش، هدایتگر و هدایتبخش... در تمام امور، خداوند حکیم را تصدیق میکند و خداوند هم او را تصدیق و تأیید خواهد کرد...: عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۵۹، ج ۲۹. - «و هو اعظم حسبا و اکرم منصبا و ارحم بالرعية: حسب او از همه بزرگ تر، مقامش از همه گرامی تر و نسبت به مردم از همه مهربان تر است. عقداالدرر، ص ۲۰۴.
- السلام علیک ایها العلم المصوب: سلام بر تو ای علم سرریز و فراوان و بدون نقص: فرازی از زیارت آل یس، مفاتیح الجنان. رسول خدا فرمودند: المهدی من ولدی ... کأن وجهه کوجه کعب ذری ...: مهدی از فرزندان من است ... چهره اش مانند ستاره ای درخشان است ...: فرئادالسمطین، ج ۲، ص ۵۶۵.
- «...یکون عطاؤه حثیاً»: ... بخشش او بسیار است: کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۳.
- او خفته ای را بیدار نمی کند و خونی را (به ناحق) نمی ریزد: منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۴۷۸.

### و ویژگیهای دیگری چون:

- دارای بدنی قدرتمند: ر.ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳: الحاوی للفتاوی، ص ۷۹. - شاداب و خرم: السلام علی ربیع الانام و نضرة الایام: سلام بر بهار مردمان و خرمی روزگاران. : مفاتیح الجنان زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف. - رحمة للعالمین: اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۸ (حدیث قدسی لوح) - غوث: فریادرس: مفاتیح الجنان، زیارت آل یس. - کاشف البلوی: برطرف کننده بلا: همان، زیارت حضرت صاحب الامر. - کشف: پناه: بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۴
- عضد: پشتیبان: همان. - و ... (تبیان)

با وجود نیازهای مختلف و اساسی در زمینه‌های فرهنگی، پرداختن به مباحث امام مهدی(ع) چه ضرورتی دارد؟ آیا به اندازه کافی در این مورد سخن گفته نشده و کتاب و مقاله نوشته نشده است؟ در پاسخ باید گفت مباحث مهدویت از جمله موضوعاتی است که نقش کلیدی در زندگی بشر دارد و با زوایای مختلف حیات انسان ارتباط مستقیم دارد. بنابراین با وجود تلاشهای انجام شده، هنوز این موضوع ناگفته‌های فراوان دارد و بجاست که عالمان و محققان در این عرصه تلاشی دو چندان انجام دهند. برای عینی شدن ضرورت طرح معارف امام مهدی(ع) فهرست وار مواردی را بیان میکنیم:

۱. موضوع امام مهدی(ع) به مسئله اساسی **امامت** بر میگردد که از اصول عقاید شیعه است و در قرآن و روایات اسلامی به صورت گسترده روی آن سرمایه‌گذاری شده است. شیعه و سنی از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده‌اند که: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، [۱]. آنکه بمیرد و حال آنکه امام زمان خویش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است (گویی از اسلام بهره‌ای نبرده است)! برآستی آیا موضوعی که به همه حیات معنوی آدمی ارتباط دارد شایسته توجه و عنایتی ویژه نیست؟!

۲. امام مهدی(ع) دوازدهمین نفر از سلسله پاک **امامت** است همان امامتی که یکی از دو یادگار گرانقدر رسول خداست. در روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام نقل کرده‌اند آمده است: اِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِزَّتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوْا بَعْدِي أَبَدًا... [۲]. برآستی که من دو چیز گرانبها در میان شما باقی میگذارم: **قرآن و اهل بیت**، تا وقتی به این دو چنگ بزنید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد. بنابراین پس از قرآن کریم که سخن خداست، کدام راه از راه امام روشنتر و هدایت بخش تر است و اساساً مگر قرآن خدا جز با بیان جانشینان رسول خداصلی الله علیه وآله قابل تفسیر و تبیین است؟!

۳. امام مهدی(ع) امام زنده و حاضر و ناظر است و در ارتباط با آن حضرت سؤالات زیادی (بوژه درمیان نسل جوان) مطرح میشود و با وجود پاسخگویی به سؤالات در آثار گذشتگان، ولی همچنان ابهامات زیادی باقی مانده و در پاره‌ای موارد پاسخهای قبلی در خور مخاطبین فعلی نیست.

۴. به جهت اهمیت مسئله امامت و نقش محوری آن در ساختار فکری و عملی شیعیان، دشمنان همواره سعی کرده‌اند که درباره امام مهدی(ع) شبهاتی را مطرح کنند و معتقدان به آن حضرت را دچار تردید نمایند مثل اینکه، اصل ولادت حضرت را مورد تردید قرار دهند، یا طول عمر آن حضرت را امری محال نشان دهند یا غیبت آن بزرگوار را امری غیرمنطقی معرفی کنند و صدها شبهه دیگر و نیز گاهی دوستان ناآگاه و بی‌اطلاع از معارف اهل بیت(ع)، مطالبی نادرست و بی‌اساس را درباره فرهنگ مهدویت مطرح کرده‌اند و از این راه، عده‌ای را به بیراهه برده‌اند و یا می‌برند...

کامل شدن نماز، روزه، حج و جهاد و... نیز حفظ مرزها به سبب امام [و پذیرفتن ولایت] است. **امام، حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند** او مطابق حکم واقعی پروردگار، حکم می‌کند [و حدود الهی را به پا میدارد و از دین خدا حمایت کرده و با حکمت و موعظه نیکو و دلیل رسا به راه پروردگار دعوت می‌کند. امام مانند خورشید طلوع کننده است که نورش عالم را فرا می‌گیرد و خودش در افق است به گونه‌ای که دستها و دیدگان به او نرسد. امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره راهنما در شدت تاریکیها و در راههای شهرها و کویرها و در گرداب دریاها [و نجات دهنده از انواع فتنه‌ها و نادانی‌ها] است... امام انیس همراه و پدر مهربان و برادر تنی و مادر نیکوکار به فرزند کوچک و پناهگاه بندگان در مصیبت‌های بزرگ است. امام کسی است که از گناهان، پاک و از عیبها بر کنار است. او به دانش مخصوص و به خویشن داری و حلم نشانه دار است... **امام، یگانه روزگار خویش است** و کسی (به ساحت او) نزدیک نمی‌شود و هیچ دانشمندی با او برابر نمی‌گردد. نه کسی جای او را می‌گیرد و نه برای او مثل و مانندی یافت می‌شود... پس کیست که بتواند امام را بشناسد و یا انتخاب امام برای او ممکن باشد؟! هیهات هیهات! در اینجا خرده‌ها گم گشته و عقل‌ها سرگردان و حیران گردیده است. [در اینجا] دیده‌ها بی‌نور، بزرگان کوچک؛ حکیمان متحیر... و سخن دانان درمانده‌اند از اینکه بتوانند یکی از شوؤن یا فضیلت‌های امام را توصیف کنند و آنان همگی به عجز و ناتوانی اعتراف می‌کنند!!! [۱۰].

### پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۵۱، ح ۷، ص ۱۶۰.

[۲] همان، ج ۲، ص ۱۰۰.

[۳] را بر تو فرستادیم تا آنچه را بر مردم نازل شده است برای ایشان بیان کنی؛ سوره نحل، آیه ۴۴.

[۴] گفتنی است که «تشکیل حکومت» توسط امام معصوم وابسته به زمینه‌ها و شرایط آن است ولی سایر وظایف، حتی در زمان غیبت، انجام میگیرد اگرچه در زمان ظهور امام و حضور آشکارش در میان مردم، ملموس و عینی است. نکته دیگر اینکه آنچه در این بخش گفته شد نیاز مردم به امام در حیات معنوی آنهاست و اما نیاز مجموعه عالم به «وجود امام» در بحث «فوائد امام غایب» خواهد آمد.

[۵] میزان الحکمه، ج ۱، ح ۸۶۱.

[۶] به علاوه اگر امام مصون از خطا نباشد باید به دنبال امام دیگری بود تا نیاز مردم را پاسخ دهد و اگر او نیز محفوظ از خطا نباشد امام دیگری لازم است و این رشته همچنان تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت و چنین امری از نظر فلسفی باطل است.

[۷] معانی الاخبار، ج ۴، ص ۱۰۲.

[۸] میزان الحکمه، باب ۱۴۷، ح ۸۵۰.

[۹] سوره بقره، آیه ۱۲۴.

[۱۰] کافی، ج ۱، باب ۱۵، ح ۱، ص ۲۵۵.

## \* (آراستگی به کمالات اخلاقی) \*

امام که پیشوا و راهبر جامعه است باید از همه بدی‌ها و رذائل اخلاقی دور بوده و در مقابل، همه کمالات اخلاقی را در عالی‌ترین حد آن دارا باشد زیرا او به عنوان انسان کامل بهترین الگو برای پیروان خود به شمار می‌رود. امام رضا(ع) فرمود: برای امام(ع) نشانه‌هایی است: او داناترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، شجاع‌ترین، سخاوتمندترین و عابدترین مردم است. [۷]. بعلاوه او در مقام جانشینی پیامبر(ص)، در پی تعلیم و تربیت انسانهاست. بنابراین خود باید پیش از همگان و بیشتر از مردمان، به اخلاق الهی آراسته باشد. امام علی(ع) میفرماید: کسی که [به امر خدا] خود را امام مردم قرار داده است پس بر اوست که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود همت گمارد و باید دیگران را بوسیله رفتار خود تربیت کند پیش از آنکه با گفتار تربیت کند. [۸].

## \* (نصب امام از سوی خدا) \*

از دیدگاه شیعه، امام و جانشین پیامبر تنها به دستور خدا و انتخاب او انجام می‌گیرد و پس از آن پیامبر، امام را معرفی می‌کند. بنابراین هیچ فرد یا گروهی حق دخالت در این امر را ندارد. ضرورت نصب امام از سوی خداوند دلایلی دارد از جمله: الف. به فرموده قرآن حاکم مطلق بر همه چیز خداوند است و همه باید تنها از او اطاعت کنند. بدیهی است این حاکمیت می‌تواند از سوی خداوند به هر کسی (مطابق شایستگی و مصلحت) داده شود. بنابراین همانگونه که پیامبر به وسیله خدا انتخاب می‌گردد، امام نیز به تعیین الهی، بر مردم ولایت می‌یابد. ب. پیش از این برای امام، ویژگی‌هایی از قبیل عصمت و علم و... بیان کردیم. روشن است که یافتن و شناختن کسی که دارای این صفات (آنهم در عالیترین درجه) باشد تنها به وسیله خداوند که دانای به آشکار و نهان انسانهاست، امکان‌پذیر است. همانگونه که خداوند در قرآن کریم به حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: من تو را به مقام امامت مردم قرار دادم. [۹].

## \* (بیانی جامع و زیبا) \*

مناسب است که بخشی از بیان زیبایی پیشوای هشتم، حضرت رضا علیه السلام را که درباره مقام امام و ویژگیهای اوست بیاوریم: آنها (که در امر امامت اختلاف کردند و گمان کردند که امامت امری انتخابی است) نادانی کردند... مگر مردم، مقام و منزلت امامت را در میان امت میدانند تا روا باشد که به اختیار و انتخاب ایشان واگذار شود؟! همانا امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگتر و منزلتش عالیتر و مکانش رفیعتر و عمقش ژرفتر از آنست که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آرای خود آن را دریابند... همانا امامت، مقامی است که خدای عزوجل، بعد از رتبه نبوت و خلقت (مقام خلیل اللّهی) در مرتبه سوم به ابراهیم(ع) اختصاص داد... امامت، خلافت خدا و خلافت رسول خدا(ص) و مقام امیرالمؤمنین(ع) و میراث حسن و حسین(ع) است. به راستی که امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است...  
ا

## \* (امامت) \*

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) مهمترین بحثی که در جامعه نوپای اسلامی مطرح شد موضوع خلافت و جانشینی رسول خدا(ص) بود. گروهی بر اساس آراء بعضی بزرگان صحابه پیامبر(ص)، خلافت ابوبکر را پذیرفتند و گروه دیگر معتقد شدند که جانشین پیامبر بنابر تعیین آنحضرت، امام علی(ع) است. در زمانهای بعد دسته اول به **عامة** (اهل سنت و جماعت) و گروه دوم به **خاصه** (تشیع) معروف گردیدند. نکته قابل توجه اینکه اختلاف شیعه و سنی تنها در شخص جانشین پیامبر(ص) نیست؛ بلکه در دیدگاه هر یک، «امام» معنی و مفهوم و جایگاه ویژه‌ای دارد که این دو مذهب را از یکدیگر متمایز میکند. برای روشن شدن موضوع، معنای امام و امامت را بررسی میکنیم تا تفاوت دیدگاهها آشکار گردد. «امامت» در لغت به معنی پیشوایی و رهبری است و «امام» کسی است که سرپرستی یک گروه را در مسیری مشخص به عهده می‌گیرد. و در اصطلاح علم دین، امامت به گونه‌های مختلف تفسیر شده است. به نظر اهل سنت، امامت حاکمیتی دنیوی (و نه منصبی الهی) است که از رهگذر آن جامعه مسلمین سرپرستی و اداره می‌گردد.

و از آنجا که هر جمعیتی نیاز به پیشوا و بزرگی دارند جامعه مسلمین نیز، پس از پیامبر(ص) باید برای خود رهبری برگزیند و چون برای این گزینش راه و رسم ویژه‌ای در دین ترسیم نشده است، انتخاب جانشین پیامبر(ص) میتواند از راههای مختلف همچون رجوع به آراء اکثریت مردم یا بزرگان آنها یا وصیت خلیفه پیشین و یا حتی کودتا و غلبه نظامی باشد.

ولی شیعه که امامت را ادامه نبوت و امام را حجت خدا در میان خلق و واسطه فیض او به مخلوقات میداند معتقد است که «امام» تنها به تعیین الهی است که از زبان پیامبر(ص)، پیام آور وحی، معرفی می‌گردد. این ایده به خاطر جایگاه رفیع و بلند امامت در تفکر شیعی است که امام را نه تنها سرپرست و مدیر جامعه مسلمین که بیان کننده احکام الهی و مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت میدانند. به بیان دیگر در فرهنگ شیعه، امام، مرجع امور مردم در دو بخش دین و دنیاست نه آنگونه که اهل سنت معتقدند که تنها وظیفه خلیفه، حکومت داری و اداره دنیای مردم باشد.

## \* (نیاز به امام) \*

با وجود قرآن و سنت پیامبر(ص) چه نیازی به امام و رهبر دینی (آنگونه که شیعه معتقد است) وجود دارد؟ برای ضرورت وجود امام، دلایلهای فراوانی بیان شده است ولی ما تنها به یک بیان ساده، اکتفا میکنیم: همان دلیلی که نیاز به پیامبر را بیان میکند، بیانگر نیاز مردم به «امام» نیز است. زیرا از سویی، اسلام آخرین دین و حضرت محمد(ص) آخرین پیامبر خداست، بنابراین، اسلام باید پاسخگوی تمام نیازهای بشر تا قیامت باشد.

از سوی دیگر، قرآن کریم، اصول و کلیات احکام و معارف الهی را بیان کرده است و تبیین و توضیح آن به پیامبر(ص) واگذار شده است. [۳] ولی روشن است که پیامبر(ص) به عنوان رهبر مسلمین، مطابق نیازها و ظرفیت جامعه اسلامی زمان خود به بیان آیات الهی پرداخته است و لازم است برای او جانشینان لایقی باشد که همچون او متصل به دریای بیکران علم خدا باشند تا آنچه را پیامبر(ص)، تبیین نفرموده است، بیان کنند و نیازهای جامعه مسلمین را در هر زمان، پاسخ گویند. همچنین امامان(ع)، نگهبان میراث بجا مانده از پیامبر(ص) و نیز مبین و مفسر حقیقی قرآن کریم هستند تا دین خدا دستخوش تحریف غرض ورزان و دشمنان قرار نگیرد و این سرچشمه زلال تا قیامت، پاک و پاکیزه باقی ماند. بعلاوه «امام» به عنوان انسان کامل، الگوی جامعی در همه ابعاد انسانی است و بشر نیاز جدی به چنین نمونه‌ای دارد که با دستگیری و هدایت او، آنگونه که در خور کمال انسانی اوست تربیت گردد و در پرتو راهنماییهای این مربی آسمانی از انحرافها و دامهای نفس سرکش خود و شیطانهای بیرونی محفوظ بماند. پس نیاز مردم به امام یک نیاز حیاتی است و برخی از وظایف امام به شرح زیر است: - رهبری و اداره امور جامعه (تشکیل حکومت) - حفظ دین و آئین پیامبر از تحریف و بیان صحیح قرآن - تزکیه نفوس و هدایت معنوی مردم. [۴]

### \* (ویژگیهای امام) \*

جانشین پیامبر(ص) که ضامن تداوم حیات دین و نیز پاسخگوی نیازهای بشر است شخصیت ممتازی است که به تناسب جایگاه والای پیشوایی و رهبری، ویژگیهایی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. تقوا و پرهیزگاری و برخورداری از ملکه عصمت بگونه‌ای که کوچکترین گناهی از او سر نمیزند. ۲. علم و دانش که از علم پیامبر(ص) سرچشمه گرفته است و متصل به علم الهی است. بنابراین پاسخگوی همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، دینی و دنیایی است. ۳. آراستگی به فضائل و کلمات اخلاقی در بالاترین درجات. ۴. توان اداره جامعه بشری و مدیریت صحیح آن بر اساس آموزه‌های دینی. (بدیهی است که انتخاب چنین فردی از توان و دانش مردم بیرون است و تنها خداوند است که به سبب علم بی‌نهایت خود می‌تواند پیشوایان و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله را برگزیند. بنابراین از مهمترین ویژگی‌های امام، منصوب بودن او از سوی خداست.)

### \* (علم امام) \*

امام که سمت پیشوایی و رهبری مردم را به عهده دارد؛ لازم است دین را در تمامی زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی کامل داشته باشد و نیز با دانستن تفسیر آیات قرآن و احاطه کامل به سنت پیامبر(ص) به تبیین معارف دین پرداخته و به همه سؤالات مردم در موضوعات مختلف پاسخ دهد و آنها را به بهترین شیوه راهنمایی کند. بدیهی است که چنین مرجع علمی میتواند مورد اعتماد و تکیه گاه توده‌ها قرار گیرد و چنین پشتوانه علمی تنها به واسطه اتصال به علم الهی میتواند وجود داشته باشد به همین دلیل است که شیعه معتقد است علم امامان و جانشینان واقعی پیامبر(ص) برگرفته از علم بیکران خدایی است.

امام علی(ع) درباره علامتهای امام بر حق میفرمایند: امام آگاهترین فرد است به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و اوامر و نواهی او و هر آنچه مردم نیازمند هستند. [۵]

### \* (عصمت امام) \*

یکی از صفات مهم امام و شرایط اساسی امامت، «عصمت» است و آن ملکه‌ای است که از علم به حقایق و اراده‌ای قوی بوجود می‌آید و امام به سبب برخورداری از این دو، از ارتکاب هر گناه و خطایی خودداری میکند. امام هم در شناخت و تبیین معارف دینی و هم در عمل به آنها و هم در تشخیص مصالح و مفاسد جامعه اسلامی، معصوم از لغزش میباشد. برای عصمت امام، دلائل عقلی و نقلی (از قرآن و روایات)، وجود دارد. مهمترین دلیل‌های عقلی عبارتند از: **الف.** حفظ دین و راه و رسم دینداری، در گرو عصمت امام است. چون امام مسئولیت حفظ دین از تحریف و هدایت دینی مردم را به عهده دارد و نه تنها سخن او که رفتار او و تأیید و عدم تأییدش نسبت به عمل دیگران، در رفتار جامعه تأثیر می‌گذارد. پس باید در فهم دین و عمل به آن از هر لغزشی محفوظ باشد تا پیروان خود را به گونه صحیح، هدایت کند. **ب.** یکی از دلائل نیاز جامعه به امام این است که مردم در شناخت دین و اجرای آن، مصون از خطا نیستند. حال اگر پیشوای مردم نیز چنین باشد، چگونه میتواند مورد اعتماد کامل آنها قرار گیرد؟! به بیان دیگر اگر امام معصوم نباشد، مردم در پیروی از او و انجام همه دستوراتش، دچار تردید خواهند شد [۶].

آیاتی از قرآن نیز بر لزوم عصمت امام دلالت دارد که یکی از آنها آیه ۱۲۴ سوره بقره است. در این آیه شریفه آمده است که پس از مقام نبوت، خداوند مقام والای امامت را نیز به حضرت ابراهیم(ع) عطا فرمود. آنگاه حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که مقام امامت را در نسل او نیز قرار دهد. **خداوند فرمود: «عهد من (امامت) به ستمکاران و ظالمان نمی‌رسد».** یعنی منصب امامت مخصوص آن دسته از ذریه ابراهیم(ع) است که ظالم نباشند. حال با توجه به اینکه قرآن کریم، شرک به خدا را ظلم بزرگ دانسته و نیز هر گونه تجاوز از دستورات الهی (= گناه) را ظلم به نفس شمرده است، هر کس در برهه‌ای از زندگی خود، مرتکب گناهی شده، مصداق ظالم بوده و شایسته مقام امامت نخواهد بود. به بیان دیگر، بدون شک حضرت ابراهیم(ع) «امامت» را برای آن دسته از ذریه خود که در تمام عمر گناهکار بوده و یا در آغاز نیکوکار بوده و سپس بدکار شده‌اند، درخواست نکرده است. بنابر این دو دسته باقی میماند:

۱. آنان که در آغاز، گناهکار بوده و سپس توبه کرده و نیکوکار شده‌اند.
۲. آنها که هیچگاه مرتکب گناهی نشده‌اند. و خداوند در کلام خود، دسته اول را استثنا کرده است. نتیجه اینکه مقام «امامت» تنها به دسته دوم اختصاص دارد. بنابراین امام و پیشوای مردم باید توان اداره امور جامعه را دارا بوده و با استفاده از تعالیم و قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و بهره‌گیری از عناصر کار آمد، حکومتی اسلامی را پی‌ریزی کند. **۷**